

فصل نامه علمی - پژوهشی پژوهش نامه‌ی تاریخ اسلام
سال سوم، شماره یازدهم، پاییز ۱۳۹۲
صفحات ۲۹ - ۴۵

عملکرد سیاسی حکومت شیعی مذهب بنی منقذ در شیراز (۴۷۴-۵۵۲ ق)^۱

شکرالله خاگرد*

لیدا مودت**

چکیده

پیدایی بحران‌های سیاسی و اقتصادی نیمه دوم قرن پنجم هجری در خلافت فاطمیان و منازعات آنان با سلجوقیان در شام به تأسیس حکومت‌های محلی در این منطقه انجامید. دولت بنی منقذ شیعی مذهب در شیراز، از این حکومت‌ها بود که میانه سال‌های ۴۷۴-۵۵۲ در شیراز (شمال غربی حمه) تأسیس شد و در تحولات سیاسی شام و تعامل با حکومت‌های سلجوقیان، صلیبیان و اسماعیلیان، تأثیر گذارد و سرانجام در پی وقوع زلزله‌ای سخت (۵۵۲ ق) در شیراز از میان رفت. بر پایه یافته‌های پژوهش، امیران بنی منقذ با سیاستی کارآمد و بهره‌گیری از استحکامات شیراز، به‌رغم محدود بودن قلمرو خود موفق شدند استقلالشان را حفظ و پایه‌های حکومتشان را تثبیت کنند. این پژوهش به روش کتابخانه‌ای و با استناد به منابع اصلی به دنبال بررسی تعامل سیاسی و برخوردهای این دولت با سلجوقیان، صلیبیان و اسماعیلیان شام است.

کلیدواژگان

شیراز، روابط بنی منقذ و سلجوقیان، روابط بنی منقذ و صلیبیان، روابط بنی منقذ و اسماعیلیان.

۱. تاریخ دریافت ۹۲/۲/۱۸ تاریخ پذیرش ۹۲/۶/۱۲.

* استادیار گروه تاریخ دانشگاه شیراز، گروه تاریخ، شیراز، ایران. khakrand@shirazu.ac.ir

** دانشجوی دکتری تاریخ دانشگاه شیراز، گروه تاریخ، شیراز، ایران. lidamavadat@gmail.com

طرح مسئله

منطقه شام به‌ویژه شیزر در شمال شام از دید جایگاه نظامی (سوق الجیشی) نزد سلجوقیان و صلیبیان قرن‌های پنجم و ششم هجری، بسی مهم بود. این دولت‌ها در پی تسلط بر این شها بودند و از این‌رو، پایداری مردمان شیزر به پیروی از امیران بنی‌منقذ، روی دادی تأمل‌پذیر می‌نماید. حکومت بنی‌منقذ در سده‌های پنجم و ششم هجری به گونه‌ای تأثیرگذار با حکومت‌های سلجوقیان، صلیبیان و اسماعیلیان شام پیوند داشت. این حکومت خود دارای شهر مهمی نبود، اما جایگاه شیزر موجب می‌شد که حکومت بنی‌منقذ از موثرترین حکومت‌های محلی منطقه شام در این قرون به شمار آید.

مسئله اصلی پژوهش، تحلیلی درباره عمل‌کرد امیران بنی‌منقذ در برابر سلجوقیان، صلیبیان و اسماعیلیان شام و فرضیه‌اش بر این پایه استوار است که امیران بنی‌منقذ موفق شدند با بهره‌گیری از خلأ قدرت سیاسی برتر در منطقه شام، حکومتی تأسیس کنند و پس از این، امیران دولت بر پایه سیاست‌های واقع‌بینانه، به دفع یورش‌های صلیبیان و اسماعیلیان شام و تثبیت حکومت خود پرداختند. پژوهش مستقلی به فارسی در این باره صورت نپذیرفته، اما پژوهش‌های تازه و اندکی به عربی در این باره سامان یافته است که از مقاله «قلعه شیزر در گذشته و حال» نوشته کامل شحاده و «شیزر در میراث و تاریخ» نوشته هاشم صالح مناع، از برجسته‌ترین آنها به شمار می‌روند. این مقاله‌ها بیش‌تر به جغرافیای تاریخی شیزر و به شکلی گذرا به خاندان بنی‌منقذ پرداخته‌اند، اما نویسنده در پی شرح و بسط عمل‌کرد سیاسی خاندان بنی‌منقذ است.

شیزر در گذر تاریخ

شهرهای مهم شام در چهار سوی شیزر قرار داشتند: انطاکیه، دمشق، طرابلس و حلب به ترتیب در شمال، جنوب، جنوب غرب و شمال شرق. منطقه شیزر قلعه‌ها و باروهای استوار و از سوی دیگر به شهرهای مهم شام دسترس داشت. قلعه شیزر با توجه به اهمیت راه‌بردی (استراتژیک)‌اش پس از ورود مسلمانان به شام تا روی کارآمدن بنی‌منقذ، پیوسته دست‌خوش یورش بیزانس، حمدانیان و فاطمیان بود. این حکومت‌ها در پی چیرگی بر این نقطه حساس و سوق الجیشی بودند. پس از ورود مسلمانان به

منطقه شام، مردمان شیزر شهر را ر پایه پیمان صلحی به آنان واگذارند (۱۷ ق)، اما بیزانس از منطقه شام و شیزر غافل نبود، بلکه در قرون نخستین هجری بارها به این شهر یورش برد (یاقوت حموی، ۳/ ۳۸۳). نقفور فوکاس امپراتور بیزانس سده چهارم هجری و سیف‌الدوله حمدانی برای نفوذ بیش‌تر به شمال شام، به کشمکش با یک‌دیگر پرداختند. بر اثر اهمیت شیزر و قلعه مستحکمش، این شهر بارها میان آن دو دست به دست گشت (ابن خلکان، ۳/ ۴۰۵؛ مولر، ۶۹).

پس از مرگ سیف‌الدوله حمدانی، بزرگ‌ترین مانع نقفور در شام از میان رفت و او به آهنگ آن سامان راه افتاد (۳۵۷ ق) (ابن‌عبری، ۲۲۳ و ۲۹۳). سعدالدوله جانشین سیف‌الدوله در این هنگامه می‌کوشید که در برابر نقفور بایستد، اما نقفور شیزر را تصرف و مسجد جامع آن‌جا را سوزاند و محافظانی رومی بر شیزر گماشت (ابن‌عدیم، ۱/ ۱۵۷ و ۱۶۹ و ۲۳۲؛ انطاکی، ۱۳۱؛ ابن‌ظافر ازدی، ۱۷). العزیز خلیفه فاطمی نیز در پی نفوذ به منطقه شام بود (ابن‌قلانسی، ۳۸). منجوتکین به فرمان خلیفه فاطمی، شیزر را گرفت (۳۸۴ ق) (انطاکی، ۱۷۶). شیزر در این زمان در دست سعدالدوله حمدانی بود. وی برای مقابله با فاطمیان از امپراتور بازیل کمک خواست. امپراتور بازیل نیز به شیزر حمله برد و شهر را گرفت (۳۸۹ ق) (ابن‌تغری بردی، ۲/ ۵۰۲؛ ابن‌عدیم، زبده‌الحلب، ۱/ ۱۹۲) از این‌رو، شیزر کمابیش تا هشت دهه، در دست رومیان بود تا اینکه سدیدالملک علی بن‌منقذ توانست آن‌جا را بگیرد (۴۷۴ ق) و به قدرتی منطقه‌ای بدل کند (ابن‌خلکان، ۳/ ۴۰۹).

نسب و مذهب بنی‌منقذ

بنی‌منقذ از قبیله کنانه بودند که از طوایف عذره بن‌زید اللات کلبی از قبیله عرب قحطانی به شمار می‌رفت (ابوشامه، ۱/ ۱۱۱؛ قلقشندی، ۱/ ۳۱۶). قبیله کنانه سده سوم هجری در شمال شام (نواحی رود عاصی) ساکن شد (یعقوبی، ۸۶). بنی‌منقذ همچون بیش‌تر قبایلی که در بلاد شام برای دستیابی به قدرت برخاسته بودند، تباری بدوی داشتند. گمان می‌رود آنان پس از اینکه علی بن‌منقذ بن‌نصر الکنانی نخستین بار در ۳۴۹ در نبرد با روم شرقی اسیر شد، در صحنه روی‌دادهای تاریخی ظاهر شده باشد (اسامه بن‌منقذ، ۱۳). گفتنی است بنی‌منقذ خاندانی شیعه‌مذهب بودند (اسامه بن‌منقذ، ۱۰۷، ۱۴۶).

حکومت بنی منقذ در مسیر پیشرفت

ظهور بنی منقذ در جایگاه نیروی سیاسی تأثیرگذار، از تأسیس سلسله بنی مرداس در حلب سرچشمه می گیرد. صالح بن مرداس مؤسس حکومت بنی مرداس، در حلب استقلالش را در برابر فاطمیان اعلام کرد (۴۱۵ ق). صالح بن مرداس ناحیه شیزر را به فردی از پیروانش به نام مقلد بن نصر بن منقذ اقطاع سپرد (۴۱۷). (ابن اثیر، ۹/ ۲۱۰-۲۱۱). شیزر در این زمان در دست بیزانس و املاک مقلد بن نصر تا رود عاصی گسترده بود. او هم چنین کفرطاب چیرگی داشت (۴۳۷ ق) (ابن عدیم، ۲/ ۷۰).

مقلد بن نصر بن منقذ تا هنگام مرگش (۴۵۱ ق) در تصرف منطقه شیزر توفیق نیافت، اما پسرش سدیدالملک علی مؤسس حقیقی امارت بنی منقذ، این منطقه را گرفت و امارت خود را پایه گذارد. سدیدالملک ابوالحسن نخست از سرکردگان محمود بن صالح بن مرداس از امیران بنی مرداس در حلب به شمار می رفت، اما محمود در پی دستگیری وی بود. سدیدالملک به دربار بنی عمار در طرابلس گریخت. امیر مرداسی به سدیدالملک علی نامه نوشت و کوشید تا او را به دستگاه خویش بازگرداند (ابن حیوس، ۸۴)، اما سدیدالملک علی به جای بازگشت به خدمت محمود بن صالح بن مرداس، در پی کسب قدرت بیش تر در آن منطقه بود.

سدیدالملک علی در سرزمین شمالِ شام، پیش از تصرف شیزر و تأسیس حکومت، نیروی سیاسی تأثیرگذاری به شمار می رفت. بنابراین، در طرابلس حاضر شد (۴۶۴ ق) و از سویی، امین الدوله امیر بنی عمار از دنیا رفت و درباره جانشینی وی اختلاف افتاد. سدیدالملک با فراخواندن نیروهای خود از کفرطاب به پشتیبانی از جلال الملک پرداخت (ابن اثیر، ۱۰/ ۷۱؛ ابن خلدون، ۵/ ۴۶۱؛ ابن خیاط، ۴۹، ۸۳، ۹۱) و سرانجام جلال الملک به کمک ابن منقذ (ابن قلانسی، ۱۱۴) بر رقیبان چیره شد و دشمنانش را از طرابلس بیرون و دور کرد. پس از این، جایگاه ابن منقذ استواری یافت و از خواص جلال الملک شد. جلال الملک وی را در حکومت طرابلس شریک کد؛ چنان که جایگاهی همانند خود وی یافت (ابن عدیم، ۲/ ۳۵).

سدیدالملک در انقراض حکومت بنی مرداس در حلب و گرفتن این شهر به واسطه مسلم بن قریش، حاکم عُقَیْلِی موصل، مؤثر بود (۴۷۳) (ابن عدیم، ۲/ ۷۰ و ۱۴۵). سقوط

سلسله بنی مرداس و از سوی دیگر نفوذ فراوان سدیدالملک در منطقه شام، وی را بر آن داشت که سهم بیش‌تری از این منطقه داشته باشد. بنابراین، قلعه شیزر را از دست رومیان گرفت (۴۷۴ ق) و این خود سرآغاز پیدایی حکومت بنی منقذ در شیزر بود (ابن عدیم، ۱/ ۲۲۳). اسامه بن منقذ داستان چیرگی نیاکانش را بر شیزر چنین توصیف می‌کند:

در شیزر یک فرمان‌روای رومی به نام دمتری بود و پدربزرگم با طرح پیش‌نهاداتی قلعه شیزر را تحویل گرفت. از جمله پیش‌نهادات، پرداخت مال به دمتری و نگه‌داشتن املاک اسقف آن‌جا بود. دمتری همچنان تحت حمایت پدربزرگم در قلعه ساکن بود تا اینکه در شیزر درگذشت. بدین ترتیب قلعه شیزر را در روز یکشنبه ماه رجب ۴۷۴ به دست آورد (اسامه بن منقذ، ۱۵).

هنوز زمان بلندی از تصرف شیزر نگذشته بود که مؤیدالدوله علی، برادر شرف‌الدوله مسلم عقیلی، حاکم جدید حلب این قلعه را محاصره کرد (ابوشامة، ۱/ ۱۱۱؛ الطباخ الحلبي، ۲/ ۳۰). پیش از این، مؤیدالدوله علی عقیلی یک‌بار آن را محاصره کرده بود، اما در این زمینه کام‌یاب نبود. سدیدالملک به مذاکره با وی پرداخت تا اینکه توانست او را از شیزر دور کند (۴۷۵ ق) (ابن عدیم، ۲/ ۷۷).

سدیدالملک علی در دوره امارتش به آبادانی شیزر پرداخت. علی هنگام مرگش (۴۷۵ ق)، شهر بزرگی در دست داشت، اما قدرت محلی مهمی شمرده می‌شد؛ زیرا افزون بر شیزر، کفرطاب، افامیه، بندر لاذقیه و چند محل کوچک‌تر را در برمی‌گرفت. پس از سدیدالملک علی، عزالدوله ابوالمرهف نصر پسرش بر جای او نشست (۴۷۵ ق) (ابن عدیم، ۲/ ۱۰۴). حکومت بنی منقذ در دهه‌های پس از مرگ سدیدالملک علی با نیروهای سلجوقیان، صلیبیان و فداییان اسماعیلی درگیر شدند. توانایی آنان در حفظ خودمختاری و قدرتشان، وام‌دار سیاست‌گذاری‌های پسران و جانشینان سدیدالملک علی، نصر (۴۷۵-۴۹۲ ق) و ابوالعساکر سلطان (۴۹۲-۵۴۹ ق) بود.

چیرگی سلجوقیان بر شام مهم‌ترین روی‌داد دوره حکومت نصر بن علی، به شمار می‌رفت. او با درک این نکته که هیچ‌یک از حکومت‌های محلی بلاد شام نمی‌تواند در برابر سلجوقیان پایدار بماند، به سیاست سازش با سلجوقیان تن داد. هنگامی که سلطان

ملکشاه سلجوقی حلب را تصرف کرد (۴۷۹ ق)، فردی را نزد امیر نصر فرستاد و امیر بنی منقذ به فرمان‌پذیری از او تصریح و بنابراین، ملک‌شاه حکومت وی را در شیزر تأیید کرد (ابن عدیم، ۲/ ۱۰۵). از این‌رو، امیر نصر در برابر تملک شیزر، شهرهای کفرطاب، افامیه و لاذقیه را به سلطان ملک‌شاه واگذاشت. نصر در هنگامه اوضاع آشفته پس از فتوحات سلجوقیان در شام، بهترین راه را برای حفظ منافعش، اتحاد با آق‌سنقر، حاکم گمارده سلجوقی در حلب دانست، اما پس از مرگ ملک‌شاه (۴۸۵ ق)، امیر نصر منقذی توانست کفرطاب، افامیه و لاذقیه را بازپس گیرد (ابن عدیم، ۲/ ۱۰۵؛ یاقوت حموی، ۵/ ۲۲۱).

پایداری حکومت بنی منقذ در برابر اسماعیلیان شام

امیر نصر پیش از مرگش، برادر خود مجدالدین ابی‌سلامه مرشد^۱ را به جانشینی برگزید، اما پس از مرگ امیر نصر، مرشد از پذیرش حکومت خودداری کرد. از این‌رو، ابوالعساکر سلطان، پسر سدیدالملک علی بر جای وی نشست (ابوشامه، ۲/ ۱۱۱؛ ابن اثیر، ۱۰/ ۵۰۴). دوران حکومت ابوالعساکر سلطان، در تاریخ حکومت بنی منقذ بسیار مهم بود؛ زیرا او از آغاز می‌بایست با دو نیروی صلیبیان و اسماعیلیان می‌جنگید.

اسماعیلیان شام در این برهه از زمان در منطقه شام گرفتاری‌هایی برای حکومت‌های مستقر در این دیار پدید آورده بودند. پس از مرگ رضوان از سلاجقه شام (۵۰۷ ق) پسرش، آلب ارسلان اخرس جانشین وی شد (ابن اثیر، ۱۰/ ۱۷۵). آلب ارسلان در آغاز سیاست پدر را برای مماشات با اسماعیلیان در پیش گرفت، اما پس از فرمان محمد بن ملک‌شاه برای مبارزه با اسماعیلیان، به آهنگ مبارزه با آنان در شام به راه افتاد (ابن قلانسی، ۱۸۹-۱۹۰؛ ابن عدیم، ۲/ ۵۳۲-۵۳۳). بزرگان اسماعیلیان بر اثر فشارهای سلجوقیان شام بر آنان (۵۰۷ ق)، به اطراف حلب پراکنده شدند. اسماعیلیان بر این شدند که به مناطق امن‌تر از دید طبیعت جغرافیایی بروند که مناطق قلعه شیزر از مهم‌ترین آنها بود (ابن عدیم، ۱/ ۱۴۵)؛ چنان‌که کمابیش صد تن از اسماعیلیان حلب،

۱. وی پدر اسامه بن منقذ صاحب الاعتبار است. مرشد بر اثر علاقه به نسخ قرآن و صید و شکار، به نفع برادر کوچک‌ترش عزالدین ابی‌العساکر سلطان از فرمان‌روایی کناره گرفت و می‌گفت: «به فرمان‌روایی نرسید و از دنیا نرفت کسی همچنان که من وارد شدم» (ابوشامه، ۲/ ۱۱۱؛ ابن اثیر، ۱۰/ ۵۰۴).

افامیه، سرمین، مغره النعمان و مغره مصرین به شیرز رفته بودند. ابراهیم عجمی که از این جرگه به شمار می‌رفت، به دژ شیرز (در دست ابوالعساکر سلطان) پناه برد (ابن عدیم، ۱/ ۱۴۵).

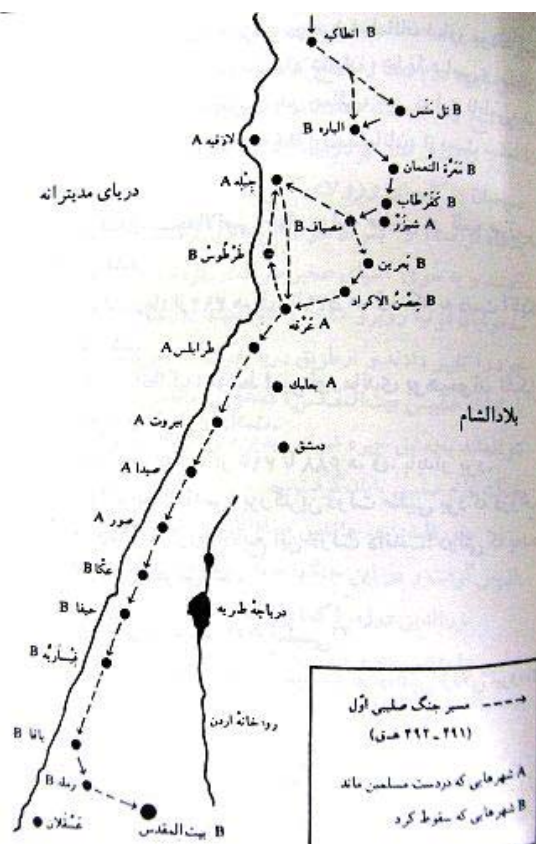
اسماعیلیان امیدوار بودند که شیرز را به دست آوردند و آن را به پایگاه جدیدی برای عملیات خود در شام بدل کنند (ابن اثیر، ۱۰/ ۱۶۶). از این رو، بزرگان بنی منقذ بیرون از شیرز شاهد جشن‌های «عید قیام مسیح» میان رعایای مسیحی خود بود (۵۰۷ ق) که اسماعیلیان به کاری بی‌فرجام برای گرفتن آن‌جا دست زدند (اسامه بن منقذ، ۱۹۰؛ ابن اثیر، ۱۰/ ۱۹۹). هنگامی که بنی منقذ به ارگ شیرز بازگشتند، به کمک مردم شهر، برج به برج با اسماعیلیان جنگیدند و سرانجام مهاجمان را بیرون کردند یا کشتند (اسامه بن منقذ، ۱۵۸-۱۶۰؛ ابن قلائسی، ۳۰۳-۳۰۴).

قدرت اسماعیلیان در منطقه شام هر روز فزونی می‌گرفت. پس از این روی داد، داعیان اسماعیلی برای بنی منقذ تهدیدی دائم به شمار می‌رفتند تا اینکه قلعه قدموس را از صاحب آن سیف‌الملک بن عمرون خریدند (۵۲۵ ق)؛ سپس آرام آرام دژها و قلعه‌های مجاور را گرفتند و دژهای خوابی و کُهِف را تصرف کردند (۵۳۲ ق) (ابوالفداء، ۱/ ۱۰۱). آنان هم‌چنین توانستند قلعه مصیاف را از دست بنی منقذ خارج کنند (۵۳۵ ق)؛ محلی که از آن پس، از استحکامات مهمشان شمرده می‌شد. حکومت اسماعیلیان شام پس از گرفتن این دژ بنیاد یافت. آنا بدین شیوه پیش رفتند تا اینکه یازده قلعه مهم را در شام به دست آوردند^۱ (شیخ‌الربوه دمشقی، ۲۰۸).

روی‌کرد سازش و مقابله بنی منقذ در برابر صلیبیان

دو خلافت بزرگ جهان اسلام؛ یعنی عباسیان و فاطمیان پایان قرن پنجم هجری پس از نخستین حمله صلیبیان به مشرق، به سختی آسیب‌پذیر شده بودند و جهان اسلام در آستانه نخستین یورش صلیبیان، به تفرقه، جنگ و درگیری‌های مذهبی دچار شد (قاسم، ۹۷).

۱. قلعه‌های اسماعیلیان، قلعه‌های دعوت (قلاع الدعوه) نامیده شدند. نام این قلعه‌ها چنین بود: خوابی، کُهِف، قدموس، علیقه، مینقه، رصافه، ابوقیسیس، مصیاف، بلاطنس، مرقب و صهیون.



موقعیت سوق الجیشی شیزر

- حمله صلیبیان به بلاد شام رسید (۴۹۱ ق) (ابن قلانسی، ۱۴۹-۱۵۰). یورش‌های آنان پس از فتح انطاکیه، به دو بخش تقسیم شد:
۱. لشکرکشی به نواحی شرقی آسیای صغیر؛
 ۲. لشکرکشی به سوی بیت المقدس.
- صلیبیان به رهبری ریموند دو سان جیل^۱، بخشی را از نواحی شام فتح کردند و به رهبری ریموند به سوی قدس به راه افتادند (۴۹۲ ق) (ابن عدیم، ۱۴۳/۲). دولت بنی متقذ شیزر، از مهم‌ترین و برجسته‌ترین خاندان‌های حاکم هم‌دوره با

^۱. Raymond de Saint- Gille.

نخستین یورش صلیبیان به شام بود (زکار، ۴۱ / ۱). وضع خاندان بنی منقذ نزد صلیبیان بسیار مهم می‌نمود. حکومت بنی منقذ سرزمین‌هایی را از رود عاصی تا دریای مدیترانه (مسیر راه صلیبیان) در دست داشت. بنابراین، دوستی یا بی‌طرفی این خاندان برای پیش‌رفت کار صلیبیان بسیار مهم بود. بنی منقذ نخست در اندیشه اتحاد با دیگر مسلمانان یا ایستادگی در برابر صلیبیان نبودند و بر پایه سیاست مدارا و سازش با آنان رفتار کردند. امیران بنی منقذ در آغاز در برابر حفظ مرزهای خودشان، هنگام گذشتن صلیبیان از سرزمین‌هایشان، به هم‌کاری با آنان پرداختند (ابن اثیر، ۲۷۸ / ۱۰؛ ابن عبری، ۱۲۴)، اما پس از این، خطر صلیبیان را دریافتند و از سلطان سلجوقی در این‌باره کمک خواستند. صلیبیان پس از تصرف طرابلس (شهر مهم ساحلی آن منطقه) و سقوط حکومت بنی عمار (۵۰۲ ق) (ابن قلانسی، ۱۶۲؛ ابن اثیر، ۴۶۸ / ۱۰)، بر یورش‌های خود به شیراز افزودند.

فرآیند رابطه بنی منقذ و صلیبیان را به دو مرحله می‌توان تقسیم کرد:

۱. هنگامی که بنی منقذ سیاست سازش و مدارا در پیش گرفت؛
 ۲. هنگامی که بنی منقذ بر پایه اتحاد با حاکمان مسلمان، به رویارویی پرداخت.
- آخرین یورش مهم صلیبیان به شیراز به همراهی بیزانس صورت پذیرفت، اما شیراز در برابر این یورش نیز پایدار ماند. ویلیام^۱ کنت ساردنی به شیراز تاخت (۵۰۲ ق) و ابوالعساکر سلطان، امیر بنی منقذ و برادرش، مرشد از آن‌جا گریختند، اما دیری نگذشت که بار دیگر به دژ شیراز بازگشتند. بالدوین^۲ در همین سال به شیراز لشکر کشید، اما ابوالعساکر سلطان با فرستادن هدایایی، بالدوین را از یورش به دژ بازگرداند. حاکم صلیبی طرابلس نیز به شیراز حمله کرد (۵۰۳ ق)، اما بر اثر استحکام قلعه شیراز، در این زمینه کام‌یاب نبود (اسامه بن منقذ، ۵۵). تانکرد^۳ نایب الحکومه انطاکیه، شیراز را به سختی تهدید کرد (۵۰۴ ق) و ابوالعساکر سلطان این بار نیز با فرستادن هدایایی از نبرد با او بیاسود (Hitti, 178-181).

۱. William.

۲. Baldwin.

۳. Tancred.

هنگامی که ریموند از معره النعمان به سوی کفرطاب می‌رفت، امیر بنی‌منقذ خطر او را دریافت. امیر عزالدین ابوالعساكر سلطان بن‌منقذ در پیمانی با صلیبیان به آنان رخصت داد که در منطقه شیزر تردد کنند و درباره تأمین مواد غذایی‌شان و همراه کردن راهنما با آنان، متعهد شد. هم‌چنین صلیبیان می‌توانستند در مرزهای شیزر به خرید و فروش بپردازند، اما متعهد شدند که به شیزر هجوم نبرند (عاشور، ۱۰۸). امیر بنی‌منقذ در این مرحله سیاست مدارا و سازش را در پیش گرفت. سلطان محمد سلجوقی از ۵۰۴ قمری در بغداد به مقابله با صلیبیان تصمیم گرفت. مودود بن‌زنگی حاکم موصل، به فرمان سلطان محمد سلجوقی برای مقابله با صلیبیان پیش رفت (۵۰۵ ق) (ابن‌عدیم، ۲/ ۱۵۴). وی به کمک همسایگان ترک و گُرد خود امیر میافارقین، مراغه، تبریز، دیاربکر، ماردین و اربیل، لشکری فراهم آورد و راهی سنجار شد. با انتشار این خبر، ابوالعساكر سلطان بن‌منقذ، حاکم شیزر پیغام فرستاد و از آنان درخواست کرد تا نخست به نجات او شتاب کنند (Smail, 142؛ ابن‌قلانسی، ۱۶۹).

تانکرد که در برابر شیزر اردوگاه زده بود، در این زمان از سلطان بالدوین کمک خواست. از سویی، متحدان مودود پراکنده شدند و از سوی دیگر شمار صلیبیان فزونی گرفت. بنابراین، مودود در مقابله با آنان ناتوان ماند و عقب نشست (ابن‌قلانسی، ۱۶۹؛ ابن‌اثیر، ۱۰/ ۴۸۵ - ۴۸۶). از این‌رو، کمک‌خواهی سلطان بن‌منقذ به فرجام نرسید. تانکرد باری دیگر به شیزر تاخت (۵۰۷ ق)، اما با رسیدن نیروهای سلجوقی به آفامیه، از شیزر عقب نشست. پس از کشته شدن امیر مودود، برسق بن‌برسقی به فرمان سلطان محمد سلجوقی جانشین وی، به مقابله با صلیبیان پرداخت (ابن‌عدیم، ۲/ ۱۵۴). عزم سلطان محمد سلجوقی برای مقابله با صلیبیان، بر اثر فشارهای صلیبیان بر ابوالعساكر سلطان بن‌منقذ که از حامیان او بود، راسخ‌تر شد. برسق به امر سلطان محمد سپاهی فراهم کرد (۵۰۸ ق) و به جنگ صلیبیان رفت (ابن‌اثیر، ۱۰/ ۵۰۱-۵۰۲؛ ابن‌کثیر، ۱۲/ ۱۷۶-۱۷۸).

با توجه به اینکه بنی‌منقذ از تابعان سلطان سلجوقی بودند، برسقی پایگاه خود را در شیزر قرار داد. صلیبیان در این هنگام به رهبری بالدوین و پونس کنت طرابلس به سوی برسقی هجوم بردند. برسقی با تدبیرهایی موفق شد بالدوین و پونس را متفرق کند.

بنابراین، وی کفرطاب را با زد و خورد کوتاهی فتح کرد و آن را به ابوالعساكر سلطان سپرد (ابن اثیر، ۱۰/ ۵۰۱-۵۰۲)، اما پس از زمانی، صلیبیان توانستند سپاهیان برسقی را در تپه دانیث شکست دهند (ابن کثیر، ۱۲/ ۱۷۸-۱۷۹). پیروزی صلیبیان را در تپه دانیث به آخرین تلاش شاهان سلجوقی برای باز پس گرفتن شام می توان تعبیر کرد؛ زیرا در این برهه سلطان محمد سلجوقی بر اثر مشکلات داخلی قلمرو خود، در لشکرکشی به شام ناتوان بود. ازاین رو، راجر^۱، شاهزاده انطاکیه، نیروهایش را به سوی کفرطاب فرستاد و این قلعه را از بنی منقذ بازپس گرفت (اسامه بن منقذ، ۱۰۶).

دولت های صلیبی در دهه اول قرن ششم هجری کمابیش در شمال شام تثبیت شده بودند (رانسیمان، ۲/ ۱۵۵)، اما ایلغاری، امیر ارتقی از امیران شام در پی این بود که بر صلیبیان آن سامان فشار آورد. از این رو، وی به کمک امرای شام همچون سدیدالملک علی امیر بنی منقذ برای مقابله با صلیبیان سپاهییانی گرد آورد (۵۱۳ ق) (ابن عدیم، ۲/ ۱۸۷-۱۸۹). سلطان بن سدیدالملک امیر بنی منقذ متعهد شد که از جنوب راجر، بر شاهزاده انطاکیه فشار آورد (ابن قلانسی، ۲۰۰-۲۰۱). صلیبیان در نبرد با سپاهیان مسلمانان شکست خوردند و راجر نیز کشته شد^۲ (ابن اثیر، ۱۰/ ۵۵۳-۵۵۵؛ ابن منقذ، ۴۰). حکومت بنی منقذ به همراهی دیگر حاکمان مسلمان، در این مرحله به پیروزی رسید. ابوالعساكر سلطان در این هنگام در حکومت های منطقه شام بسیار نفوذ داشت. شماری از حاکمان صلیبی همچون بالدوین در جنگ بَلک بن بهرام ارتقی، جانشین ایلغاری با صلیبیان (۵۱۶ ق) اسیر شدند (ابن اثیر، ۱۰/ ۵۹۳ و ۶۱۰). پس از مرگ بَلک، بالدوین به شیر نزد ابوالعساكر سلطان منتقل شد که این خود بر نفوذ ابوالعساكر سلطان در جریانات منطقه ای شام دلالت می کند. پس از آن وساطت ابوالعساكر سلطان بن منقذ نزد حسام الدین تمرتاش بن ایلغاری به سرانجام رسید و بالدوین مشروط از زندان آزاد شد (ابن عدیم، ۲/ ۲۲۲)، اما شماری از گروگان ها در شیر نزد امیر بنی منقذ ماندند (اسامه بن منقذ، ۱۳۳ و ۱۵۰).

برسقی می توانست مسلمانان را بر ضد صلیبیان شام متحد کند (۵۱۸ ق)، ازاین رو،

۱. Roger.

۲. این نبرد در دشت بلاط نزدیک ارتاح رخ داد که پس از این، به دشت خون معروف شد.

برای مذاکره به شیزر نزد ابوالعساكر سلطان رفت. امير شيزر كه سياستى جز حفظ حكومت و منافعش نداشت، گروگان‌هاى صليبي را به وي سپرد. سپاهيان متحد برسقى در جنگ با صليبيان شكست خوردند (ابن‌فلايسى، ۲۰۸-۲۰۹). بالدوين در اين پيروزي غنيمت بسيارى به دست آورد كه توانست با آنها سربهاى (فديه) گروگان‌ها را بپردازد. اين گروگان‌ها پس از رهايي‌شان به حمله امير حمص دچار شدند، اما بنى‌منقذ به يارى آنان شتافتند و نجاتشان دادند (ابن‌عديم، ۲/ ۲۰۶-۲۱۰).

مى‌توان گفت، امير بنى‌منقذ در هر مقطعى از زمان، بر پايه سياست حفظ حكومتش به كارى دست مى‌زد. صليبيان در اين مرحله پيروز شده بودند و از همين روى، بنى‌منقذ محتاطانه رفتار مى‌كرد. امير بنى‌منقذ به‌رغم اينكه در كنار مسلمانان با صليبيان مى‌جنگيد، به قدرت صليبيان در منطقه پى برد. بنى‌منقذ در زمان‌ها و اوضاع گوناگون، سياست و عمل‌كرد ويژه‌اى را براى حفظ حكومتش پى مى‌گرفت.

امپراطور جان يوحنا كومنينوس^۱ بر كيليكيه چيره شد (۵۳۱ ق) شد (Cinnamus, 21-22) و ضبط و مهار كيليكيه، مسير انطاكيه را براى بيزانس باز كرد. امپراطور در همين سال با محاصره انطاكيه خواستار تسليم اين شهر بودند. ريموند، امير انطاكيه با امپراطور بيعت كرد و شهر را به وي واگذار. ريموند متعهد شد كه اگر امپراطور بتواند شيزر را فتح كند، او آن را «كنت‌نشين» جديد بداند و انطاكيه را به امپراطور باز پس دهد. اين قرارداد بر پايه معاهده دوول^۲ منعقد شد^۳ (Angold, 156).

سپاه امپراطور به همراهى سپاهيان صليبي به سوى جنوب رفتند (۵۳۲ ق). اين حمله، آخرين يورش مهم صليبيان به شيزر به شمار مى‌رود. آنان قلعه‌هاى معره النعمان و كفرطاب را در نظر داشتند، اما هدف اصلى آنان، شيزر بود. شايد شيزر از چند منظر نزد بيزانس و صليبيان مهم بوده باشد. از سويى، در مسير حركت مهاجمان به منطقه شام بود و از سويى ديگر، مهاجمان گمان مى‌كردند كه اين حكومت نزد زنگيان (بزرگ‌ترين دشمن مهاجمان)، مهم نبودند تا به مقابله با آنان پردازند (Choniates & Magoulas, 22).

۱. John Comnenus.

۲. Treaty of Devol.

۳. اين معاهده در ۵۰۱ قمرى منعقد شده بود.

در این زمان ابوالعساکر سلطان، امیر شیرز توانسته بود استقلال خود را از آسیب صلیبیان و اسماعیلیان حفظ کند. پیش‌روی امپراطور و صلیبیان به منطقه رود عاصی مانع پیش‌روی زنگیان بدان‌جا شد. بنابراین، مهاجمان تا ده روز پی در پی، از سوی کوه جریجیس شیرز را محاصره و سنگ‌باران کرد (۵۳۲ ق). اسامه بن منقذ برادرزاده ابوالعساکر سلطان شاهد زیان دیدن شیرز از منجنیق‌های بیزانسیان بوده است (ابن‌منقذ، ۲). امپراطور به‌رغم تلاش‌هایش برای محاصره شیرز، به عللی در این کار کام‌یاب نبود؛ زیرا از سویی ریموند رهبر صلیبیان بیم‌ناک بود با فرض سقوط شیرز، ناگزیر باید در آن‌جا ساکن شود. او می‌خواست بر انطاکیه (شهری مسیحی) مسلط باشد. چیرگی بر شهری چون شیرز که بیش‌تر ساکنانش مسلمان بودند، آن را از هجوم زنگیان آسیب‌پذیرتر می‌کرد (Angold, 57). از سوی دیگر، ژوسلین^۱ رقیب ریموند از حکومت وی بر شیرز خرسند نبود (ابوالفداء، ۳/ ۱۲-۱۳؛ ابن‌وردی، ۲/ ۵۹).

افزون بر مشکلات صلیبیان، استحکامات قلعه شیرز و سیاست مدبرانه ابوالعساکر سلطان، در ناکامی مهاجمان تأثیر گذارد. به‌رغم تلاش پی‌گیر امپراطور، شیرز ایستادگی کرد. امیر ابوالعساکر کسانی را نزد امپراطور فرستاد و از او درخواست کرد که در برابر دریافت خسارتی هنگفت^۲، از شیرز دست بردارد (ابن‌قلانسی، ۲۵۸-۲۵۹؛ ابن‌کثیر، ۲/ ۱۲/ ۲۱۲). امپراطور که یاران صلیبی خود را در محاصره مصمم نمی‌دید، شروط امیر بنی‌منقذ را پذیرفت و از محاصره دست کشید (ابن‌اثیر، ۱۱/ ۵۳ و ۵۹؛ ابن‌عدیم، ۲/ ۱۹۷). شیرز در برابر آخرین هجوم مهم صلیبیان به دلایل یاد شده، پایداری ماند، اما صلیبیان تا هنگام مرگ سلطان امیر بنی‌منقذ به شیرز یورش می‌بردند و مردم شیرز در برابر آنان می‌ایستادند (رانسیمان، ۲/ ۲۴۸-۲۵۰).

فروپاشی حکومت بنی‌منقذ

ابوالعساکر سلطان در ۵۴۸ قمری درگذشت و پسرش تاج‌الدوله، آخرین فرمان‌روای

۱. Joscelin.

۲. افزون بر اینها، او خزانه سرشار و لوح گوه‌رشنانی داشت که آن را در نبرد ملازگرد از امپراطور رومانوس به غنیمت گرفته بود.

شیزر، بر جای او نشست. زلزله بزرگی در روزگار او در هنگامه جشن بنی منقذ در شیزر، رخ داد (۵۵۲ ق) و خاندان بنی منقذ زیر آوارها جان باختند و حکومتشان پایان یافت (ابن عدیم، ۲/ ۳۰۶-۳۰۷؛ ابوشامه، ۱/ ۱۱۱). پس از این زلزله، اسماعیلیان و صلیبیان در پی چیرگی بر این قلعه بودند (ابن قلانسی، ۳۰۳-۳۰۴). نورالدین زنگی برای جلوگیری از افتادن شیزر به دست اسماعیلیان، به سرعت با صلیبیان بدان سوره سپرد و این سرزمین را به دست آورد (اسامه بن منقذ، ۱۷ به بعد). وی برای بازسازی شیزر، مجیدالدین بن الدایه را به حکومت بر آن گماشت. این خاندان در جایگاه حاکمان شیزر، زمان بلندی بر این سرزمین حکم راندند تا اینکه امیر ایوبی حلب، آنان را برکنار کرد (۶۳۰ ق) و شیزر را به دست گرفت (قلقشندی، ۱/ ۴۵۷).

نتیجه

حکومت محلی بنی منقذ در شام (قرن پنجم و ششم هجری) از اهمیت فراوانی برخوردار بود. شهر شیزر (شمال غربی حماه) از سویی نزد سلجوقیان و از سوی دیگر نزد صلیبیان، جایگاه ویژه‌ای داشت. امیران بنی منقذ با پیش گرفتن سیاستی کارآمد، موفق شدند که حکومتی را بنیاد بگذارند و هشت دهه حاکم باشند. این آگاهی سیاسی در تعامل آنان با قدرت‌های بزرگ و حکومت‌های هم‌سایه شام، رخ می‌نمود. دوران حکومت ابوالعساکر سلطان بن علی منقذی از مهم‌ترین دوره‌های حکومت بنی منقذ در شیزر به شمار می‌رود. بنی منقذ در دوران این امیر، با اسماعیلیان و صلیبیان در ستیز و آویز بود. اسماعیلیان در منطقه شام به گرفتن قلعه‌های استوار برای تأسیس حکومتشان می‌پرداختند که شیزر از آنها به شمار می‌رفت. از این رو، امیران بنی منقذ توانستند خود را در برابر یورش‌های اسماعیلیان حفظ کنند.

حکومت بنی منقذ نخست می‌کوشید که بر پایه سیاست سازش با صلیبیان رفتار کند، اما بر اثر یورش‌های بعدی صلیبیان به آنان، سیاست امیر بنی منقذ دگرگون شد. درخواست کمک از سلطان سلجوقی و متحد شدن امیر بنی منقذ با دیگر حکومت‌های بومی شام بر ضد صلیبیان، از کارهای بعدی امیر بنی منقذ در برابر صلیبیان بود. راه‌برد امیران بنی منقذ درباره صلیبیان در درازمدت تأثیرگذار بود و موجب پایداری این حکومت در برابر آنان شد. این حکومت سرانجام در پی زلزله‌ای بزرگ در شیزر، از میان رفت.

کتاب‌نامه

۱. ابن اثیر، علی بن محمد (۱۳۹۹ ق/ ۱۹۳۲ م)، *الکامل فی التاریخ*، بیروت، دارصادر.
۲. ابن تغری بردی (۱۳۸۳ ق/ ۱۹۶۳ م)، *النجوم الزاهرة فی ملوک مصر و القاهرة*، قاهره، وزارة الثقافة و الارشاد القومي.
۳. ابن حیوس (۱۹۵۱ م)، *دیوان ابن حیوس*، تحقیق خلیل مردم‌بک، دمشق، المجمع العلمی.
۴. ابن خلدون (۱۴۰۸ ق/ ۱۹۸۸ م)، *تاریخ ابن خلدون المسمی بديوان المبتدا و الخبر فی تاریخ العرب و البربر و من عاصرهم من ذوی السلطان الاکبر*، بیروت، چاپ خلیل شحاده و سهیل زکار.
۵. ابن خلکان، ابوالعباس شمس‌الدین احمد (۱۹۴۸ م)، *وفیات الاعیان و انباء انباء الزمان*، تحقیق، محمدمحی‌الدین عبدالحمید، قاهره، بی‌نا.
۶. ابن خیاط (۱۹۵۷ م)، *دیوان ابن خیاط*، تحقیق خلیل مردم‌بک، دمشق، المجمع العلمی العربی.
۷. ابن ظافر ازدی (۱۹۸۸)، *اخبار الدول المنقطعه*، تحقیق محمد الزهرانی. قاهره.
۸. ابن عبری، ابوالفرج (۱۹۵۸)، *تاریخ مختصر الدول*، بیروت، مطبعة الکاتولیکی.
۹. ابن عبری، ابوالفرج (۱۹۹۲ م)، *تاریخ الزمان*، ترجمه اسحق ارمله، بیروت، دار المشرق.
۱۰. ابن عدیم حلبی (۱۹۶۸-۱۹۴۵ م)، *زبدہ الحلب فی کتاب حلب*، تحقیق سامی دهان، دمشق، معهد الفرنسی.
۱۱. ابن عدیم، کمال‌الدین ابوالقاسم عمر بن احمد (۱۹۷۶ م)، *بغیة الطلب فی تاریخ حلب*، آنکارا، جمعیة التاریخیه ترکیه، چاپ علی سویم.
۱۲. ابن قلانسى، ابویعلی حمزه (۱۹۰۸ م)، *ذیل تاریخ دمشق*، تحقیق آمدروز، بیروت، المكتبة الکاتولیکیه.
۱۳. ابن کثیر، ابوالفداء اسماعیل بن عمر (۱۹۶۶ م)، *البدایه و النهایه فی التاریخ*، بیروت، بی‌نا.

١٤. ابن منقذ، اسامه (١٩٣٠)، كتاب الاعتبار، چاپ فيليب حتى، پرينستون.
١٥. ابن منقذ، اسامه (١٩٨٧)، لباب الآداب، بی جا، مكتبة السنه.
١٦. ابن وردى، زين الدين (١٣٨٩ ق/ ١٩٧٠ م)، تتمه المختصر فى اخبار البشر، تحقيق احمد رفعت البدرأوى، بيروت، انتشارات دار المعرفة.
١٧. ابوالفداء، اسماعيل بن على (١٣٧٥ ق/ ١٩٥٦ م)، المختصر فى اخبار البشر (تاريخ ابوالفداء)، بيروت، بی نا.
١٨. ابوشامة، عبدالرحمان بن اسماعيل (١٩٥٦ م)، كتاب الروضتين فى اخبار الدولتين، قاهره، چاپ محمد حلمى محمد احمد.
١٩. انطاكى، يحيى بن سعيد (١٩٩٠ م)، تاريخ انطاكى (معروف به صلة تاريخ اوتبخا)، تحقيق عمر تدمرى، طرابلس، بی نا.
٢٠. حموى، ياقوت (١٣٣٩ ق)، معجم البلدان، بيروت، دار احياء التراث العربى.
٢١. ——— (١٩٠٧ م)، معجم الادباء، قاهره، بی نا.
٢٢. رانسيما، استيون (١٣٦٠)، تاريخ جنگ هاى صليبي، ترجمه منوچهر كاشف، تهران.
٢٣. زكار، سهيل (١٩٨٤)، الحروب الصليبيه. دمشق، دار حسان.
٢٤. شحادة، كامل (١٩٨١ م)، «قلعه شيزر ماضيها و حاضرها»، الحوليات الأثرية العربية السورية. ج ٣١.
٢٥. شيخ الربوه دمشقى، شمس الدين (١٩٢٣ م)، نخبه الدهر فى عجائب البر و البحر، تحقيق مهن، چاپ لاينزيك.
٢٦. صالح مناع، هاشم (جمادى الأولى ١٤١٧)، «شيزر فى التراث و التاريخ»، التراث العربى، شماره ٦٥.
٢٧. الطباخ الحلبي، محمد راغب بن محمود بن هاشم (١٤٠٨ ق)، اعلام النبلاء بتاريخ حلب الشهباء، حلب، دارالقلم العربى.
٢٨. عاشور، فايد حماد محمد (١٤٠٥ ق)، جهاد المسلمين فى الحروب الصليبيه، بيروت، مؤسسه الرساله.
٢٩. قاسم، عبده قاسم (١٤١٠ ق)، ماهية الحروب الصليبيه؛ الايديولوجيه، الدوافع،

النتائج، کویت، بی‌نا.

۳۰. قلقشنندی، شهاب‌الدین (۱۹۳۸ م)، *صبح الاعشی فی صناعة الانشاء*، قاهره،

دارالکتب المصریه.

۳۱. مولر، ولفانگ (۱۴۰۴ ق)، *القلاع ایام الحروب الصلیبیه*، ترجمه محمد ولید جلا،

دمشق، دارالفکر.

۳۲. یعقوبی، ابن‌واضح (۱۸۹۱ م)، *البلدان*، تحقیق دخویه. لیدن، بی‌نا.

33. Angold, Michael (1997), *The Byzantine Empire, 1025–1204: A Political History*, London, United Kingdom: Longman.

34. Choniates, Niketas; Magoulias (1984), Harry J. (trans.), *City of Byzantium: Annals of Niketas Choniates*, Detroit, Michigan: Wayne State University.

35. Cinnamus, Ioannes (1976), *Deeds of John and Manuel Comnenus*, New York, and West Sussex, United Kingdom: Columbia University Press.

36. Hitti, Philip K (1959), *Syria, A Short History*, Macmillan & Coltd, London.

37. Smail, R. C (1995), *Crusading Warfare 1097-1193*, New York: Barnes & Noble Books.